

## اصول جنگ در عصر ناهمگونی‌ها

خسرو حسنلو<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۹۶/۰۵/۱۵

پذیرش مقاله: ۹۶/۰۷/۲۰

### چکیده

«اصول جنگ» چکیده رمزآمیزی از اندیشه‌های دفاع نظامی است. این اصول دستاورد تجارب جنگ‌های بی‌شمار گذشته است که برای شناخت آن جان انسان‌های فراوانی فدا شده و تاکنون بشر برای دانستن هیچ‌دانشی متحمل این همه خسارت و تلفات نشده است. از این رو، یکی از گران‌بهاترین میراث‌های تجربی انسان می‌باشد. دگرگونی و دگرش (تغییر و تحول) محیطی جهان، موجب نوعی «ناهمگونی» (عدم تقارن) در ابعاد گوناگون بین طرفین درگیر شده که در اکثر چالش و جنگ‌ها شاهد این ناهمگونی‌ها هستیم. جنگ، تابع اصول و قواعد دقیق و معینی است. در این راستا «جنگ‌های ناهمگون» از اصول و قواعد جدید، متنوع و ویژه‌ای پیروی می‌کنند. هدف این پژوهش شناسایی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم «جنگ ناهمگون» بر اصول شناخته شده جنگ با روش توصیفی، تحلیلی است. همچنین پرسش اصلی این است که ویژگی‌های «جنگ ناهمگون» بر اصول شناخته شده جنگ‌ها چه تأثیراتی داشته است؟ پیامد بررسی و پردازش داده‌ها نشان داد که ویژگی جنگ‌های ناهمگون بر برخی اصول جنگ اثرات فزاینده (مثبت) و بر برخی دیگر اثرات کاهنده (منفی) داشته است. بنا بر نتایج پژوهش، همواره دو دیدگاه و نگرش به اصول و قواعد جنگ نزد متخصصان دفاعی و نظامی وجود داشته است. دیدگاه نخست، اصول جنگ را در هر شرایطی ثابت و بدون تغییر می‌داند و دیدگاه دوم، دگرگونی در اصول جنگ را طبیعی دانسته و آن را مفهومی بسیار پویا می‌داند. از آنجاکه منشأ اصول جنگ در اندیشه‌ی نظامی است و اندیشه‌ی نظامی همواره پویا است؛ بنابراین، اصول جنگ نیز دارای پویایی ویژه‌ای است. از این رو، شاید لازم باشد این اصول بازسازی و یا «اصولی متمم» به اصول پیشین جنگ و نبرد افزوده شود.

**واژگان کلیدی:** اصول جنگ، جنگ ناهمگون، دکترین ناهمگونی، راهبرد ناهمگونی، جنگ آینده

<sup>۱</sup> استادیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) (نویسنده مسئول) E Mail : M hasanlou2 @ yahoo.com



**مقدمه**

از مهم‌ترین فعالیت‌های انسان که نشانه‌های آن را در همه‌ی آثار باستانی می‌توان یافت، آثار فعالیت‌های نظامی برای «جنگ»<sup>۱</sup> و ستیز است. از این‌رو، مهم‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت فکری انسان، تفکر بر روی چگونگی جنگ و تدوین «قوانین جنگ»<sup>۲</sup> و «اصول جنگ»<sup>۳</sup> بوده است. انسان در طول زیست خود بیش از آنکه شاهد صلح و آرامش باشد ناظر و یا درگیر جنگ بوده است. «ویل دورانت» از مورخان غربی در کتاب «درس‌های تاریخ» در بخش تاریخ و جنگ می‌نویسد:

«جنگ یکی از عناصر پایدار تاریخ است و تمدن و دموکراسی چیزی از آن نکاسته است از ۳۴۲۱ سال اخیر [تا زمان نگارش کتاب] که بشر تاریخ مدون دارد فقط ۲۶۸ سال آن بدون جنگ گذشته است. باید اقرار کرد. که جنگ در طول این مدت، همواره مانند امروز شکل نهایی رقابت و انتخاب طبیعی نوع انسان بوده است. هراکلیوس می‌گفت: جنگ یا رقابت، پدر همه چیز است. منبع لایزال اندیشه‌ها، اختراعات، نهادها و دولت‌هاست. صلح، آرامشی است ناپایدار که تنها با قبول تفوق یا در صورت تساوی قدرت‌ها قابل دوام است.» (دورانت، ۱۳۵۵: ۱۱۹)

شناخت ویژگی جنگ‌های آینده برای همه‌ی کشورها دارای اهمیت فراوان است. پیش‌بینی می‌شود ناهمگونی (عدم تقارن) یکی از بارزترین ویژگی جنگ‌های آینده نیز باشد. از این منظر ضرورت دارد تا تأثیر ویژگی‌های این نوع فراگیر از جنگ بر اصول و قواعد جنگ مطالعه و بررسی شود. این پژوهش فرصت دوباره‌ای می‌دهد تا ویژگی جنگ‌های ناهمگون و اصول جنگ را در شرایط جدید و آمادگی برای جنگ‌های آینده بازخوانی نماییم. همین امر اهمیت و ضرورت مطالعه و انتخاب پژوهش تحت عنوان «بررسی تأثیر ویژگی‌های جنگ ناهمگون بر اصول جنگ» را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد.

در پاسخ به این پرسش بنیادین که؛ آیا ویژگی‌های «جنگ ناهمگون» بر مفاهیم اساسی چون اصول شناخته شده جنگ‌ها تأثیرگذار بوده است؟ مسئله‌ی تحقیق چنین بیان شد که؛ «تأثیرات ویژگی‌های «جنگ ناهمگون» بر بالاترین مفاهیم نظامی نظیر اصول جنگ‌ها به‌خوبی شناسایی نشده است.» از این‌رو ضرورت دارد تا در این خصوص پژوهش صورت پذیرد. هدف این پژوهش، شناسایی

۱. War

۲. Laws of War

۳. THE PRINCIPLES OF WAR



تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم ویژگی‌های «جنگ ناهمگون» بر اصول شناخته‌شده جنگ بوده و پرسش اصلی این است که؛ تأثیرات ویژگی‌های «جنگ ناهمگون» بر اصول شناخته‌شده جنگ‌ها چیست؟ متغیرهای پژوهش، به ترتیب متغیر مستقل «ویژگی‌های جنگ ناهمگون» و متغیر وابسته «اصول جنگ» می‌باشند.

## مبانی نظری

### پیشینه شناسی:

مطالعات تحلیلی درباره‌ی شناخت جنگ و اصول آن سابقه طولانی در ایران و چین باستان دارد. در یونان باستان حداقل تا زمان مورخ بزرگ «توسیدید»<sup>۱</sup> مفاهیم اصول جنگ مشاهده نشده است. این اصول، به تدریج در طول تاریخ و در مطالعات جنگ و ستیز که به علم جنگ یا (ستیز شناسی) «پالمولوژی»<sup>۲</sup> شناخته‌شده است (یک شاخه علمی بین‌رشته‌ای<sup>۳</sup> است). شکل گرفته و متبلور شده‌اند. لیکن در قرن بیستم میلادی به صورت امروزی به جهان عرضه شد.

تا زمان تهیه این نوشتار، کتاب، مقاله و یا پایان‌نامه‌ای که به مقایسه اصول جنگ و اصول جنگ‌های ناهمگون پردازد مشاهده نشد. به همین منظور، به پیشینه پژوهش‌های مرتبط به اجزا و بخش‌های اصلی پژوهش اشاره می‌شود.

از پژوهش‌های معتبر داخلی در زمینه اصول جنگ می‌توان به پژوهش مرکز تحقیقات اسلامی و دافوس سپاه اشاره نمود. لیکن اغلب پژوهش‌های صورت گرفته بر روی موضوع اصول جنگ، غیرمستقیم و ذیل عناوین دیگر بوده است. در این رابطه و در خارج کشور یکی از پژوهش‌هایی که اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحولات نظامی و غیرنظامی را بر اصول جنگ موردبررسی قرار داده‌اند. کتاب «جنگ‌های آینده» نوشته «باری اشنايدر»<sup>۴</sup> است. هرچند او به بررسی ماهیت اصول جنگ در میدان‌های نبرد آینده می‌پردازد و به موضوع «عدم تقارن» اشاره‌ای ندارد. لیکن نوشته‌های او کمک شایانی به این پژوهش نموده است.

در داخل کشورمان نیز مقالات و پایان‌نامه‌های فراوانی در این زمینه موجود است. بیش‌ترین نوشته‌های خارجی در زمینه ماهیت جنگ ناهمگون متعلق به افرادی چون؛ «کنت مکنزی»<sup>۵</sup> «استیون

<sup>۱</sup> .Thucydides

<sup>۲</sup> .Polemology

<sup>۳</sup> .Enter disciplinary

<sup>۴</sup> .Barry R Schneider

<sup>۵</sup> . Mchenzie Kenneth F



متز<sup>۱</sup> «جانانان بی تاکر»<sup>۲</sup> «آنتونی. اچ. کردزمن»<sup>۳</sup> «جان آندریاس اولسن»<sup>۴</sup> «دیوید ال گارانگ» «کلیتون جی انکر» و... می‌باشند.

برای شناخت مفاهیم مربوط به اصول جنگ و جنگ ناهمگون، مفاهیم ذیل در شکل‌دهی مبانی نظری پژوهش نقش ارزنده‌ای داشته‌اند

### مفهوم شناسی:

**رابطه‌ی «دگرگونی» با «ناهمگونی»:** «دگرگونی»<sup>۵</sup> (تغییر) و «دگرش»<sup>۶</sup> (تحول) بنیادی‌ترین اصول این جهان است. تکامل بدون گذار و دگرگونی (حرکت و تغییر) امکان ندارد. تغییر و تحول گام‌های رشد و کمال محسوب می‌شوند. در برداشتی ساده و روان، «دگرگونی» (تغییر): جایگزین شدن گونه، چهره و رخسار بیرونی یک پدیده با گونه، چهره و رخساری بیرونی نوین و یا جابجایی در موقعیت است. «همچنین «دگرش» (تحول)، جایگزین شدن حالت درونی یک پدیده با حالت درونی نوین و یا جابجایی در وضعیت است.» اغلب واژگان «تغییر» با «تحول» یکسان پنداشته می‌شود. لیکن این دو مفهوم با یکدیگر تفاوت دارند. سنجه شناخت دو مفهوم دگرگونی (تغییر) و دگرش (تحول) در میزان «ژرفای دگرگونی» یا (عمق تغییر) پدیده است. در برداشتی ساده و روان، هرگاه دگرگونی بیرون (ظاهر) به عمق پدیده نفوذ کند. حالت آن پدیده را جابجا خواهد نمود. از این رو، دگرش (تحول): تعویض حالت و وضعیت یک پدیده است. به عبارتی دیگر گردیدن، دگر شدن و یا دگرش (تحول) همان دگرگونی (تغییر) در درون است.

<sup>۷</sup> «تغییر، یعنی وضعیت جدید امور با وضعیت سابق آن‌ها فرق کند. تغییر در همه‌جا متداول است تغییر یکی از موضوعات ثابت تا اواخر دهه ۱۹۹۰ و سده آتی است.» (فرنچ، ۱۳۹۱: ۱۴)

روزگار پیش رو، به جهت دگرگونی‌های فراوان «عصر تغییرات» نامیده می‌شود. دگرگونی و دگرش (تغییر و تحول) جهان، موجب نوعی «ناهمگونی»<sup>۷</sup> (عدم تقارن) نوین در ابعاد گوناگون پدیده‌ها شده است. پدیده‌ی جنگ در طول زمان به‌ویژه در عصر جدید دچار دگرگونی و

<sup>۱</sup> .Steven Metz

<sup>۲</sup> .Jonatan B Tucker

<sup>۳</sup> .Antony H Cordsman

<sup>۴</sup> .John Andreas Olsen

<sup>۵</sup> . Change

<sup>۶</sup> . Transform-Transformation

<sup>۷</sup> . Asymmetrical



نگرش‌های فراوان شده است. ریشه‌ی «ناهمگونی» بین طرفین درگیر در چالش‌ها و جنگ‌ها نیز همین «دگرگونی» است. این ناهمگونی در گونه‌های نیرو و توان (قوه و قدرت)، گونه‌های تهدید، گونه‌های ضعف و آسیب‌پذیری و حتی در گونه‌های فرصت وجود دارد. از این رو، عصر و محیط دنیای امروزی را «روزگار ناهمگونی‌ها» نیز می‌توان نامید.

دگرگونی و دگرش محیط بر اندیشه‌ورزی دفاعی نیز تأثیر گذارده است. دگرگونی در اندیشه دفاعی بر روی رهیافت‌ها (آیین‌ها، سیاست‌ها، راهبردها، راهکارها...) و همچنین سازمان‌های دفاع نظامی اثرات ژرفی گذارده است.

”در راهبرد نظامی و راهبردهای کلان و عالی، بیشتر با تأثیرات قدرت و نه با فیزیک قدرت مواجه هستیم و این موضوع مربوط به تغییرات محیط جدید جهانی نسبت به گذشته، تحولات ایجادشده در مفهوم و معادلات قدرت، [تعادل قدرت<sup>۱</sup>] تلاقی راهبردها، عدم تقارن در آسیب‌پذیری‌ها<sup>۲</sup>، عدم تقارن در آستانه‌های تحمل و عدم تقارن در شرایط می‌باشد؛ بنابراین محیط امروز به محیطی نامتقارن تبدیل شده و در محیط‌های نامتقارن، تأثیر قوای فیزیکی با یکدیگر برابر نیست. [نابالانسی<sup>۳</sup>]“ (سلامی، ۱۳۹۰: ۸۱)

در این روزگار شاهد دگرگونی و رشد فزاینده فناوری‌های نظامی هستیم. این موضوع به‌شدت موجب ناهمتراز شدن و لاجرم ناهمگون شدن طرفین درگیر شده است. جنگ ناهمگون، سطوح متفاوتی از پیچیدگی و شدت را به کار گرفته و از روش‌های بسیار متنوع تهاجم و گونه‌ای متفاوت از فناوری‌ها استفاده می‌کنند.

**جنگ ناهمگون و مفاهیم آن:** ویژگی ناهمگونی طرفین درگیری در همه‌ی جنگ‌ها مشاهده می‌شود. به‌گونه‌ای که می‌توان آن را بخش جدانشدنی جنگ‌ها به شمار آورد. همین مفهوم در سال‌های اخیر، تأثیر فراوانی بر ویژگی‌های جنگ و دفاع گذارده و مفاهیم «جنگ ناهمگون» یا «جنگ نامتقارن» را به وجود آورد. این شیوه از جنگ بر مبنای «آیین ناهمگونی» (دکترین ناهمگونی) و «راهبردهای ناهمگون» طراحی و اجرا می‌شود.

نگره یا نظریه‌ی جنگ به شیوه ناهمگون اصطلاح جدیدی نیست. این مفهوم و نظریه‌ی نه‌چندان نوظهور که در مجامع علمی نظامی جهان بحث‌های عدیده‌ای را برپا نموده تا حد زیادی مرهون و

1. Equilibrium of Power

2. Vulnerabilities

3. Imbalance



متأثر از شیوه عمل رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس به‌ویژه به‌کارگیری تاکتیک عملیات شبانه و به‌کارگیری قایق‌های تندرو در برابر تهاجم همه‌جانبه‌ی ابرقدرت‌ها است. آیین و راهبرد ناهمگونی، مشابه همه‌ی نظریه‌هایی که ریشه در فرهنگ و تجارب بومی ما و کشورهای مشابه دارد. متأسفانه توسط غرب در بسته‌بندی جدید و با روکش غربی به جهان عرضه شد. شیوه‌ی دفاعی رزمندگان اسلام که نوعی «دفاع ناهمگون» (دفاع نامتقارن) به شمار می‌رود ترکیبی از ایستادگی (مقاومت) یا دفاع ایستا، دفاع پویا و همچنین پاسداری و دفاع پیشرو است.

نظریه‌ی «جنگ ناهمگون» نخستین بار در سال ۱۹۹۷ میلادی و در زمان «ویلیام کوهن»<sup>۱</sup> وزیر دفاع وقت آمریکا در گزارش موسوم به «گزارش فصلی»<sup>۲</sup> ارائه شد.

**جنگ ناهمگون:** متفکران داخلی و خارجی در تعریف (واگویه) این مفهوم دارای اتفاق نظر نبوده و تعبیر (برداشت) گوناگونی را به کار گرفته‌اند. در میان صاحب‌نظران نظامی غربی پیش از همه «لیدل هارت»<sup>۳</sup> چنین رویکردهایی را حدس زده و در یادداشت‌هایش آورده بود.

«عملیات نظامی از این نوع، ادامه خواهند یافت؛ زیرا این تنها شیوه‌ی جنگی است که متناسب با شرایط عصر امروز است. همچنین این شیوه یک نقطه قوت و امتیاز برای ناراضیان اجتماعی، شورش‌های نژادی و ناسیونالیست‌های افراطی، محسوب می‌شود.»<sup>۴</sup>

#### «استیون منز» در این رابطه می‌گوید:

«عدم تقارن راهبردی، یعنی بهره جستن از نوعی تفاوت که به غلبه بر دشمن منجر می‌شود. این ایده سابقه‌ای به قدمت جنگ دارد، هرچند در گذر زمان شکل ظاهری آن دچار تغییر و تبدیل شده است.» (دانیالی، ۱۳۸۳: ۴)

«به نقل از نشریه‌ی «جوینت استراتژیک ساروی»<sup>۴</sup> روش‌های ناهمگون اغلب، از فناوری‌ها، تاکتیک‌ها و سلاح‌های ابتکاری و غیررسمی بهره می‌برند و می‌توانند در تمامی سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی جنگ، در سراسر طیف عملیات نظامی کاربرد داشته باشند.»

جنگ و تهدیدات ناهمگون باهم ارتباطی تنگاتنگ دارند. از جمله این‌که تهدیدات ناهمگون، شیوه‌ی غیرمستقیم جهت تأثیر گذاردن بر توان دشمن است؛ در برداشتی از تهدیدات ناهمگون منتشرشده توسط مرکز مطالعات علوم دفاعی مخابرات و الکترونیک، «ستاد مشترک ارتش آمریکا»

1. William Cohen

2. QDR=Quadrennial Defense Review

3. Liddel Hart

4. joint strategic survey



**جنگ ناهمگون این چنین تعریف شده است:** "به کارگیری رویکردهای غیرمنتظره برای از سر راه برداشتن و تضعیف قوای دشمن و درعین حال بهره‌برداری کردن از نقاط ضعف آن از طریق فناوری‌های غیرمنتظره و نوین یا روش‌های مبتکرانه." (آفاق، ۱۳۷۹: ۱۳)

جنگ ناهمگون توسط «کنت مکنزی» چنین تشریح شده است.

"بازیگران ناهمگون باهدف تضعیف عزم و اراده‌ی امریکا و به‌منظور دستیابی به اهداف راهبردی موردنظر، نیروی تاکتیکی یا عملیاتی ضعیف‌تر خود را بر ضد نقاط آسیب‌پذیر امریکا به کار گرفته و تأثیر نامتناسب را بر جای می‌گذارد." (مکنزی، ۱۳۸۲: ۵)

ناهمگونی به معنی عملیات، سازمان‌دهی و اندیشه‌ورزی متفاوت از دشمن است که به‌منظور به حداکثر رسانیدن برتری‌های خودی و بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن، به دست گرفتن ابتکار عمل، یا به دست آوردن آزادی عمل بیشتر باشد. ناهمگونی می‌تواند سیاسی، راهبردی، نظامی راهبردی، نظامی عملیاتی و ترکیبی از آن‌ها باشد. همچنین می‌تواند شیوه‌ها، فناوری‌ها، ارزش‌ها، نسبت‌های زمانی و یا ترکیب‌هایی از این‌ها را شامل شود. از این مطالب می‌توان استنباط کرد که؛ جنگ و نبرد ناهمگون، روش و شیوه کاربست اصول جنگ به‌گونه‌ای دیگر همراه با خلق اصول نوین جنگ و نبرد می‌باشد. این شیوه‌های جدید و متفاوت جنگ بر پیچیدگی جنگ و نبرد افزوده و ویژگی‌های جدیدی از جنگ را نمایش می‌دهند؛ بنابراین، مفهوم جنگ ناهمگون از نگاه نگارنده: «اندیشه‌ورزی و کاربست متفاوت نیرو و توان، راهبردها، سازمان رزم و ادوات در برابر طرف مقابل همراه با اصولی نوین است که به‌منظور برابری و افزایش نیرو و توان انجام می‌شود.»

**ویژگی‌های جنگ ناهمگون:** در نگاه نخست، به نظر می‌رسد که «جنگ ناهمگون» یک درگیری خارج از اصل و قاعده باشد، لیکن این گونه نیست. بلکه این نوع جنگ، قواعد و اصول مربوط به خود را دارد این مفهوم علاوه بر ایجاد دگرگونی بنیادی در سطوح پایین، تأثیرات مهم و عمیقی در همه‌ی سطوح دفاع نظامی شامل؛ «نگرش و اندیشه‌ی نظامی»، آیین و رهنامه (دکترین) راهبرد (استراتژی) و تک‌روش یا تک‌شیوه (تاکتیک) بر جای گذاشته است.

نگره یا نظریه‌ی (تئوری) جنگ و نبرد ناهمگون؛ چگونگی جنگ در شرایط ناهمترازی در نیرو (قوه) و توان (قدرت) و ناهمگونی در روش و شیوه‌های دو طرف درگیر را تشریح می‌کند.

جنگ ناهمگون، جنگی است که نسبت‌های (تساوی و توازن) و نسبت‌های (تشابه و تجانس) در بین کنشگران آن برقرار نباشد. این موضوع هم در ابعاد سخت و هم در ابعاد نرم می‌تواند صادق



باشد. به عبارتی دیگر، جنگ ناهمگون، جنگی است که نسبت همترازی نیرو و توان (تعداد نیرو، ادوات جنگی و فناوری) طرفین جنگ برقرار نیست. (ناهمترازی طرفین) از این منظر، جنگ ناهمگون، نقض آشکار دیالکتیک (برهمکنش) نیرویی در صحنه‌ی جنگ است.

هرچند ناهمترازی در توان طرفین درگیر موجب ناهمگونی در جنگ و نبرد می‌شود و این موضوع شرط لازم ناهمگون شدن جنگ است. لیکن ناهمترازی قوا شرط کافی جنگ ناهمگون به شمار نمی‌رود. شرط کافی ناهمگون شدن جنگ، بی‌تناسبی (عدم تشابه و عدم تجانس) طرفین درگیر است. این بی‌تناسبی را در ابعاد نرم (اندیشه‌ورزی، روحیه، انگیزه، رهیافت‌ها، سازمان‌دهی و...) می‌توان مشاهده نمود. علت این موضوع آن است که هرچند جنگ و نبرد ناهمگون در بیشتر موارد بین کنشگرانی به وقوع می‌پیوندد که از نظر توان و نیرو ناهمتراز هستند. لیکن، الزاماً همه جنگ‌ها بین نیروهای ناهمتراز نیز ناهمگون نیست. مواردی وجود دارد که با وجود همترازی توان طرفین درگیر، شیوه نبرد و جنگ «ناهمگون» بوده و همچنین با وجود ناهمترازی بین توان طرفین، جنگی به شکل «همگون» رخ داده است.

اصول جنگ شناخته‌شده هستند لیکن اصول و ویژگی‌های (خصوصیات) جنگ ناهمگون در ابهام می‌باشند. در بررسی جنگ‌های ناهمگون ویژگی‌های مهمی به دست آمد که تعدادی از آن‌ها می‌توانند به‌عنوان «اصول جنگ ناهمگون» مطرح شوند. این ویژگی‌ها به شرح ذیل است.

**ویژگی «عدم قطعیت»<sup>۱</sup>** به مفهوم قطعی نبودن هیچ‌چیز حتی اصول جنگ در جنگ است. این ویژگی در جنگ‌های ناهمگون بیشتر نمود داشته تا حدی که به‌صورت یک اصل جلوه‌گر می‌شود. در این رابطه «کلاوزویتس» می‌گوید: «عدم قطعیت، رکن اساسی جنگ است».

” جنگ بالذاته پیچیده، پویا و سیال می‌باشد. عدم قطعیت، ابهام و اصطکاک مشخصه‌های جنگ است. عدم قطعیت از فقدان اطلاعات یا اطلاعات مبهم حاصل می‌شود. ابهام عدم وضوحی است که تشخیص حقیقت را از احساس درباره وضعیت و دشمن مشکل می‌سازد. اصطکاک از تغییر، خطرات عملیاتی، خستگی و ترس ناشی از خطر حاصل می‌شود. مشخصات مزبور، محیط عملیاتی را کدر و تیره می‌سازد. آن‌ها ریسک‌هایی را ایجاد می‌کنند که بر توانایی و قابلیت نیروی نظامی در جنگیدن و پیروز شدن اثر می‌گذارد. در عدم قطعیت، ابهام و اصطکاک، خطر و فرصت هر دو



<sup>۱</sup> . Uncertainty



وجود دارند؛ بنابراین قابلیت‌های رهبری برای سازگار نمودن و پذیرش ریسک، ویژگی‌های اصلی یا کلیدی می‌باشند. «(افتاده، ۱۳۸۱: ۲)

**ویژگی «عدم انتظار»<sup>۱</sup>** یکی از ارکان اساسی جنگ، «عدم انتظار» است. به این معنا که در جنگ نباید انتظار وقوع اتفاقاتی معین را داشت؛ زیرا ممکن است حادثه‌ای رخ دهد که مطابق با پیش‌بینی و انتظار ما نباشد و خود را برای آن آماده نکرده‌ایم.

**ویژگی «ایجاد ابهام و پیچیدگی»<sup>۲</sup>** جنگ، پدیده‌ای پیچیده و ابهام‌برانگیز و آشوبناک است. این پیچیدگی و ابهام در جنگ‌های ناهمگون چندین برابر بوده و از ویژگی‌های اساسی جنگ‌های ناهمگون به شمار می‌رود. امروزه تصمیم‌گیری در شرایط مبهم و پیچیده یکی از دغدغه‌های اصلی فرماندهان صحنه نبرد است.

«در سال‌های اخیر، محققان موسسه «سانتافه»<sup>۳</sup> اندیشگاه «رند»<sup>۴</sup> و جاهای دیگر مفاهیم مهمی را فرمول‌بندی کرده و از روش‌های برنامه‌ریزی مفیدی پشتیبانی کرده‌اند که مبتنی بر این دیدگاه هستند که بهترین شیوه جهت پرداختن به پیچیدگی و عدم قطعیت، اتخاذ راهبردهای انطباق‌پذیر برای آینده بلندمدت است. ایده اصولی و اساسی آن است که فرد «باید و می‌تواند» با توجه به شرایط اضطراری و اطلاعات موجود تصمیم بگیرد. درحالی‌که برای زمان بازی کرده و در طلب اطلاعات بیشتر جهت بهبود کیفیت تصمیمات خود است. همان رویکرد که از نظر زمانی به‌شدت فشرده‌شده، باید تصمیم‌گیری جنگ هوشمند را پی‌ریزی کند. «(گومپرت، پرکینز، ۱۳۸۸: ۹۶)

**ویژگی «حداکثر قابلیت انعطاف»<sup>۵</sup>** توانایی رودررو شدن با وضعیت‌های گوناگون و پیش‌بینی نشده، به‌منظور واکنش به‌موقع، کافی و لازم است. به‌گونه‌ای که بتوان تأثیر هر پیشامد، حادثه و اقدام خصمانه را خنثی نمود.

**ویژگی «کم‌هزینه بودن اقدامات»<sup>۶</sup>** یکی از مؤلفه‌های جنگ در آینده مؤلفه اقتصادی بودن آن است. هرگونه اقدامی که موجب کاهش هزینه‌های عملیات خودی و افزایش هزینه‌های اقدامات دشمن شود. بر عدم تقارن اقتصادی افزوده و موجب تجدیدنظر کنشگران جنگ خواهد شد.

1. Unexpected

2. Complexity

3. Santa Fe Innstitute

4. RAND Corpormtion

5. Flexibility

6. Inexpensiveness



ویژگی حداکثر پراکندگی<sup>۱</sup> و «عدم انباشت نیرو» مهم‌ترین ویژگی «نسل چهارم جنگ‌ها»<sup>۲</sup> عدم تقارن است. در این رابطه «ویلیام. اس. لیند»<sup>۳</sup> معتقد است، همانند نسل سوم جنگ «تمرکز زدایی» و «ابتکار عمل» از ویژگی‌های تاکتیکی جنگ‌های نسل چهارم نیز محسوب می‌شود.

ویژگی «تحرك، سرعت، شتاب، جابجایی»<sup>۴</sup> (سیالیت) از موارد دیگری که «لیند» در نگره یا نظریه (تئوری) نسل چهارم جنگ‌ها به آن اشاره می‌کند سیال بودن نیروهای پیاده است که بی‌درنگ پس از ضربه به سرعت فرار می‌کنند.

ویژگی حداکثر «استتار، اختفاء و فریب»<sup>۵</sup> (پوشش، پنهان‌سازی و نیرنگ) فریب، اصلی است هم در شرایط آفندی و هم شرایط پدافندی کاربرد فراوان دارد. رعایت فریب موجب غافل‌گیری دشمن خواهد شد. در مفهوم غافل‌گیری چنین بیان می‌شود که وارد ساختن ضربه به دشمن در زمان، مکان و حالتی که آمادگی پذیرش و واکنش لازم علیه آن را نداشته باشد.

جنگ ناهمگون نیز بدون فریب معنا ندارد. «سون تزو»<sup>۶</sup> اندیشمند چینی در مورد عدم تقارن اطلاعاتی و روان‌شناختی، می‌نویسد: «جنگ اساساً بر فریب استوار است. هرکس هنگام رویارویی با دشمن باید طعمه‌ای را برای اغوای او پیشنهاد کند. خود را به تمارض بزند، ولی به او حمله کند، هنگامی که بر موضوعی متمرکز می‌شود، علیه او تدارک ببیند، اما هنگامی که دشمن توانمند است از او دوری کند.» (متز، جانسون، ۱۳۸۱: ۴۲)

ویژگی ابتکار عمل و استفاده از روش‌های بدیع و کارآمد؛ هرچند استفاده از روش و تاکتیک‌های بدیع و کارآمد نیازمند برخورداری از اندیشه‌ی نظامی پویاست و مستلزم داشتن نوعی رهنامه نظامی کارآمد است که هرزمان به فراخور شرایط، راه‌های برون‌رفت از معضلات جنگ را ارائه دهد؛ اما تنها راه رسیدن به آن پیش‌بینی صحنه‌های محتمل قبل از وقوع است. استفاده از روش‌های بدیع و کارآمد آینده‌اندیشی موجب کسب ابتکار عمل مناسب و در نتیجه غافل‌گیری دشمن خواهد شد. این ابتکارات که در زبان آلمانی به آن «آفترگز تاکتیک»<sup>۷</sup> (تاکتیک‌های ابداعی)

۱ . Scattering

۲ . Fourth Generation Warfare

۳ . Lind William.S

۴ . Mobility / Shifting

۵ . CCD.Deceptiveness

۶ . Sunzu

۷ . Auftragstaaktik



گفته می‌شد. نقش به سزایی در نگرش نسل سوم جنگ داشت و اشتباهات ناچیز ناشی از ابتکار عمل، پس‌ازاین قابل تحمل بودند. در همین رابطه «سلامی» می‌گوید:

”...این یک بعد قدرت دفاعی و جنبه انسانی رزم ما است که خیلی روی آن متکی هستیم و در کنار آن با تغییر متدها، روش‌ها، تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها و تلفیق آن‌ها به صورت نو و بدیع با مقتضیات متناسب با صحنه جدید قادر خواهیم بود تا در صحنه نبرد با دشمن یک درگیری هم‌ارز و متوالی را توسعه بدهیم؛ و او را در همین زمین به گونه‌ای زمین‌گیر کنیم تا از سیاست‌های جدید خود منصرف شود.“ (سلامی، ۱۳۸۲: ۷)

ویژگی اثربخشی راهبردی<sup>۱</sup>، ضربه به نقاط ثقل و اراده دشمن؛ کانون توجه طرح ریزان عملیاتی در رویکرد ناهمگون، تلاش برای نابودی نقاط قوت دشمن از طریق ضربه به نقاط ضعف است.

برخی اصول متصور برای جنگ‌های ناهمگون در حوزه ادوات نظامی و یا شیوه کاربردی آن است؛ و برخی دیگر در حوزه رهیافت‌های دفاعی کلان هستند.

”اتفاق دیگری که در دنیای امروز روی داده این است که به دلایل متعددی ماهیت بازدارندگی، از «بازدارندگی متقارن»<sup>۲</sup> بر مبنای توازن قدرت به «بازدارندگی نامتقارن»<sup>۳</sup> بر مبنای «تولید و توازن خطر»<sup>۴</sup> [توازن تهدید] تبدیل شده است. در گذشته مفهوم بازدارندگی به شکل متقارن تعریف می‌شد و در آن موضوع «توازن یا بالانس قدرت»<sup>۵</sup> از اهمیت زیادی برخوردار بود... البته این بدان معنا نیست که مطلقاً بازدارندگی متقارن وجود ندارد، بلکه منظور آن است که در تغییر فضا، با حوزه‌ی جدیدی از بازدارندگی مواجه شده‌ایم.“ (سلامی، ۱۳۹۰: ۱۹۰)

**اصول جنگ و مفاهیم آن:** جنگ، مجموعه‌ی از اقدامات و فعالیت‌های گوناگون پر شدت، پرسرعت، بسیار گسترده و... است که توسط طرفین درگیر انجام می‌شود.

”جنگ، در زبان فارسی با واژه‌های ستیز، رزم، کارزار، نبرد، درگیری و... در زبان عربی با کلمات حرب، نزاع، منازعه، قتال، جهاد و... همچنین در زبان انگلیسی با عنوان‌های گوناگون (کامبت،

1. Effectiveness

2. Symmetric Deterrence

3. Asymmetric Deterrence

4. Balance of Danger

5. Balance of Power



فایت، بتل، وار، وارفر...)<sup>۱</sup> از آن یاد می‌شود و دارای تعبیر بسیار متنوعی در فرهنگ ملل جهان است. «دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۷۵: ۲»

جنگ تابع اصول و قواعد دقیق و معینی است. این اصول به‌نوبه خود قوانین نوینی را ایجاد خواهند نمود؛ بنابراین، هرچه اصول موضوعی محکم‌تر باشد قوانین آن نیز مستحکم‌تر خواهد بود. هوشمندی در به‌کارگیری اصول جنگ از مشخصه‌های فرماندهان پیروز صحنه جنگ است. مطالعه جنگ و بررسی اصول آن اهمیت ویژه‌ای در زندگی انسان داشته و دارد. همه‌ی اقوام و ملل، اهمیت اصول و قواعد جنگ را به‌خوبی درک کرده و سعی در حفاظت و حتی انحصاری کردن آن‌ها داشته‌اند. فارغ از این‌که چه تعداد از این اصول توسط کدام ملت ابداع و به‌کاررفته است. این اصول به نحو چشمگیری مشترک بوده و در قالب جملات و گزاره‌های دقیق و هوشمندانه تبلور یافته‌اند. از هنگام شکل‌گیری اصول جنگ، این اصول بارها مورد بازنگری قرار گرفته است. لیکن تمایل برای بازنگری در اصول جنگ همواره وجود دارد. همچنین برداشت‌های گوناگونی از اصول جنگ در میان نظامیان همه‌ی کشورها از جنبه کمی و کیفی وجود دارد. در فرهنگ واژگان «نفسی» واژه‌ی اصول به معنای ریشه، بیخ و بن هر چیزی است؛ به‌عبارت‌دیگر، اصل به چیزی گویند که سایر اشیاء دیگر بر آن بنا و بنیاد شود.

اصطلاح علمی «اصول جنگ» به معنای بنیاد قوانین و مقررات اولیه، بدیهی و مهم جنگ است. «سون تزو» در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح اصول جنگ را برشمرد و نویسندگان بسیاری در قرن هجدهم و به‌ویژه نوزدهم، درباره‌ی این اصول مطالبی را به رشته تحریر درآوردند، ژنرال انگلیسی «جی اف سی فولر»<sup>۲</sup> در سال ۱۹۱۶ مجموعه جدیدی را ارائه داد. امریکا علاوه بر هشت اصل راهبردی، اصل سادگی را که مورد قبول ارتش فیلیپین بود به آن اضافه نمود. کشورهای گوناگون اصلاحات و کاربردهای خاصی از این اصول داشته‌اند. «پاتاجو، ۱۳۸۴: ۹»

ارتباط تنگاتنگی بین مفاهیم اصول جنگ، اندیشه‌ی نظامی و رهنامه‌های نظامی وجود دارد. اصول جنگ باعث اتفاق نظر میان نظامیان با دیدگاه‌های مختلف و درک بهتری از ماهیت جنگ می‌شود. این مطلب در کتاب «راهنمای تدوین دکترین» اثر «نوئل پاتاجو»<sup>۳</sup> آورده شده است.

1 . COMBAT, FIGHT, BATTLE, WAR, WARFARE, ...

2 . Fuller J. F.C.

3 . Patago Noel L.



” اصول جنگ بنیادی‌ترین شکل دکترین نظامی بوده و مبین عناصر اصلی هدایت جنگ هستند. هرچند این اصول درک بهتری از جنگ را فراهم می‌کنند اما نمی‌توان آن‌ها را موضوعاتی دانست که لزوماً به پیروزی منتهی می‌شوند. “ (همان: ۸)

”ژنرال و مورخ بریتانیایی «فولر» در سال ۱۹۱۶ هفت اصل از اصول جنگ را به‌عنوان دستورالعمل ارتش انگلیس در جنگ جهانی اول ارائه کرد. این اصول در سال ۱۹۲۱ در مجموعه مقررات آموزشی ارتش امریکا مجدداً به چاپ رسید و از آن به بعد به دکترین نیروهای هوایی، زمینی و مشترک همچنین به نشریات تخصصی آموزش راه یافت. “ (اشنایدر، ۱۳۸۲: ۱)

در راستای طرح استعماری مصادره و غریبی کردن همه‌ی دانش‌های بشری با نادیده گرفتن سایر تمدن‌ها «جان ام کالینز» تدوین اصول جنگ را به «کلاوزویتس»<sup>۱</sup> نسبت می‌دهد و نوشته است.

” به نظر می‌رسد که تدوین اصول جنگ از دوره «کلاوزویتس» با پنج توصیه‌ی او در یک یادداشت برای ولیعهد پروس در سال ۱۸۱۲ میلادی نوشت آغاز گردید. این توصیه‌ها اولین بار در کارهای جمع‌آوری شده او بنام «درباره جنگ» به چاپ رسید حداقل سه توصیه دیگر به‌عنوان «عناصر» در بخش سوم کتاب مزبور پدیدار شد. از اشخاص دیگری که متعاقباً بر این مهم افزودند می‌توان از «مکیندر»، «ماهان»، «فوش»، «دوهه» و «لنین» نام برد. ظاهراً «فولر» اولین تهیه‌کننده‌ی متن پذیرفته‌شده‌ای از اصول جنگ بود که ارتش امریکا آن را تأیید کرد و متن آن ابتدا در سال ۱۹۲۱ در آیین‌نامه آموزش وزارت جنگ این کشور به شماره ۱۰-۵ به چاپ رسید. “ (کالینز، ۱۳۷۳: ۶۰)

اصول جنگ به تعداد و شکل‌های متفاوت بین کشورها رایج است. به‌طور مثال؛ در انگلستان ده اصل رایج است. این اصول شالوده دائمی و پایدار رهیافت‌های نظامی یک کشور هستند؛ که در واقع کارکرد آن‌ها هدایت صحیح جریان جنگ، جهت رسیدن به منظورهای آن است. نتیجه اینکه قوانین نظامی، دستورالعمل‌ها و رهنمون‌های نظامی دستوراتی هستند که اجزای آن از اصولی محکم گرفته شده است. در رابطه با میزان اهمیت درک مفهوم اصول جنگ «ژومینی»<sup>۲</sup> گفته است.

”فرمانده بدبخت کسی است که [در جنگ] تنها اختراعات [فناوری] جدید را در نظر گرفته و به اصول جنگ توجه نمی‌کند. “ (دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۶: ۱۳)



<sup>۱</sup> . Carl Von Clausewitz (1780-1831)

<sup>۲</sup> . Jomini Henri (1779-1869)

**تعریف اصول جنگ:** اصول جنگ به صورت ساده: «اصول الزام‌آوری است که ناظر بر شیوه‌ی جنگیدن یک نیروی نظامی در همه‌ی سطوح (تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی) می‌باشد.»

” قواعد مسلم و مبانی اساسی است که در طرح‌ریزی، هدایت و اجرای عملیات نظامی بر جریان جنگ حاکم بوده و به کارگیری صحیح و به‌جای آن‌ها امکان موفقیت نبرد را افزایش می‌دهد. “

(دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، ۱۳۷۶: ۱۲)

«جان. ام. کالینز» اصول جنگ را چنین تشریح نموده است.

” اصول جنگ، مجموعه‌ای از ملاحظات اساسی جنگ است که طی قرن‌ها جمع‌آوری شده است... اصول جنگ، مجموعه‌ای از ملاحظات مجرد است که از عصاره تجربیات به‌دست‌آمده و چنانچه در شرایط خاصی بافراس‌ت به کار رود در انتخاب راهکارهای مناسب، راهبردشناس‌ها را یاری خواهند کرد. “ (کالینز، ۱۳۷۳: ۵۹ و ۴۷۳)

واگویه کاربردی (تعریف عملیاتی) نگارنده از «اصول جنگ» در این نوشتار عبارت از:

**«مجموعه‌ای از بایسته‌ها(الزامات) دانشی است که بنیان و بنیاد رهیافت‌ها، راهبردها و راهکارهای جنگ و نبرد را تشکیل می‌دهد.»**

#### **اصول جنگ و جهاد از منظر آیات قرآن و روایات ائمه معصومین (علیه‌السلام)**

مفاهیم جنگ و جهاد با یکدیگر برابر نیست. جهاد هرگونه تلاش در راه خدا است. در این میان نوع متعالی جنگ در راه خدا نیز جهاد نامیده می‌شود. جهاد از موضوعات مهمی است که در قرآن به آن اشاره شده است. با این فرض که نباید مفهوم مقدس جهاد را با جنگ منطبق دانست. در فرهنگ اسلام به‌ویژه تشیع این مفهوم دارای الزامات اساسی است. در فرازی از آیات قرآن کریم به اصل صبر و پایداری اشاره می‌شود و به نقل از سپاهیان اندک طالوت که به جنگ سپاه عظیم جالوت می‌رفتند چنین می‌فرماید.

”... قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمَا مِن قَلِيلٍ غَلَبَتْ فُتَاهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ“

”... آنان که به لقاء خداوند معتقد بودند گفتند چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر

سپاهی بسیار غالب آمده و خدا یاور صابرین است. “(سوره البقره، آیه ۲۴۹)

لشکریان طالوت پس از اینکه از خداوند یاری خواستند طی نبردی نابرابر که در آن حضرت داوود(علیه‌السلام) با پرتاب تنها یک سنگ از فلاخن خود جالوت را کشت، پیروزی را نصیب جنود رحمان ساختند. همچنین قرآن کریم در آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال می‌فرماید:



” يا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ، إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ، وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ \* إِنْ أَلَانَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا، فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ، وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ“ (سوره انفال، آیات ۶۵ و ۶۶)

” ای رسول، مؤمنان را برای جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشید بر دویست نفر از دشمنان غالب خواهند شد و اگر صد نفر باشند بر دو هزار نفر از کافران غلبه خواهند کرد زیرا آن‌ها قومی بی‌اندیشه‌اند. اکنون خدا بر شما تخفیف داد و ضعف شما را می‌داند، پس اگر صد نفر صبور باشید بر دویست نفر و اگر هزار نفر باشید بر دو هزار نفر به اذن خدا غالب خواهید شد و خدا با صابران است.“ (ترجمه الهی قمشه‌ای)

رعایت اصول مرسوم جنگ همواره مورد تأکید ائمه معصومین بوده است. به‌عنوان نمونه حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در مورد اصل ابتکار عمل می‌فرماید:

«... به تأکید گفتم که در پیکار با آنان ابتکار عمل را در دست خود بگیرید و پیش از آن‌که آن‌ها به شما یورش آورند شما بر آن‌ها یورش برید.» (نهج البلاغه: خطبه ۲۷: ۴۳)

#### اصول جنگ و جهاد از نگاه حضرت امام (علیه السلام) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)

نگاه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی به مسائل جنگ بیش‌تر نگاهی اصولی و برگرفته از آیات قرآن است. مواردی چون جنگ تا رفع کل فتنه در عالم، جنگ همه اسلام در برابر همه کفر و نظایر آن. ایشان یکی از عوامل جنگ را که اساس همه پیروزی‌ها و شکست‌ها است باور انسان می‌دانند و فرموده‌اند: ”اساس همه شکست‌ها و پیروزی‌ها از خود آدم شروع می‌شود، انسان اساس پیروزی‌ها و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است.“ (صحیفه نور، ج ۱۴: ۱۹۳)

در فرمایشات مقام معظم فرماندهی کل قوا به مناسبت روز ارتش جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۵/۱/۲۹ که اشاره به رعایت اصول جنگی دارد چنین آمده است.

”...موضوع مهمی که به‌خصوص به نهاجا و نداجا می‌گویم این است که «طرح‌های پراکنندگی» را برای مواقع بحران در نظر بگیرید. این کار هم برای نهاجا و هم برای نداجا مهم است. البته باید این طرح‌ها تمرین شود یعنی باید معلوم شود برای این‌که بتوانید خودتان را حفظ کنید این «پراکنندگی» چقدر برای شما میسر و چقدر مؤثر است.“ (فرمایشات رهبری، ۱۳۸۵)



«مسئله دیگری که خیلی اهمیت دارد «قدرت تحرک و جابجایی» است (به‌ویژه در نیروی زمینی) در دوره دفاع مقدس دشمن ما دو نقطه قوت محسوس داشت یکی قدرت تحرک یکی هم ایجاد استحکامات، قدرت تحرک باید زیاد باشد، باید بتوانیم در فاصله‌های زمانی مشخص و تعریف‌شده، هرکدام از یگان‌های خودمان را از هرجایی که خواستیم به هرجایی که لازم است منتقل کنیم به قدرت جابجایی و تحرک باید اهمیت بدهید. « (فرمایشات رهبری، ۱۳۸۵)

### معرفی اصول جنگ عمومی (شناخته‌شده)

اصول جنگ عمومی و شناخته‌شده‌ای که مورد توافق قریب به اتفاق کشورها است.

جدول ۱: اصول جنگ عمومی

ردیف	عنوان کامل	عنوان مختصر	عنوان لاتین MOSSCOMES
۱	اصل تمرکز قوا	تمرکز قوا	M-(Mass)
۲	اصل هدف	هدف	O-(Objective)
۳	اصل غافل‌گیری و فریب	غافل‌گیری	S-(Surprise)
۴	اصل سادگی	سادگی	S-(Simplicity)
۵	اصل وحدت فرماندهی	وحدت فرماندهی	C-(Unity Of Command)
۶	اصل آفند و شدت عمل	آفند	O-(Offensive)
۷	اصل مانور و سرعت عمل	مانور	M-(Maneuver)
۸	اصل صرفه‌جویی در قوا	صرفه‌جویی در قوا	E-(Economy of Force)
۹	اصل تأمین	تأمین	S-(Security)

این اصول که در زبان انگلیسی به صورت مخفف «موسکامس»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود؛ شامل ۹ اصل است که به ترتیب در جدول پیشین مطرح شده‌اند: هفت اصل جنگی که «فولر» مطرح کرد عبارت بود از: هدف، آفند، تمرکز، اقتصاد نیرو، غافلگیری، امنیت، همکاری که بعدها نیروهای مسلح آمریکا اصل همکاری را حذف و اصول سادگی و وحدت فرماندهی را به آن اضافه نمودند. به‌عنوان نمونه دو اصل مانور و غافل‌گیری در اینجا توضیح داده شده است.

(۱) اصل مانور: هم‌اکنون سرعت جابجایی و مانور، با توجه به پیشرفت وسایل حرکت به نسبت قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. امروزه از «مانور برتر»<sup>۲</sup> سخن به میان می‌آید مانوری که روند

۱. (MOSSCOMES)

۲. Dominate Maneuver





شتاب‌گونه آن هرگونه اقدام متقابلی را از طرف مقابل سلب می‌کند. (مانور آزمایشی در زبان فارسی رزمایش نامیده می‌شود)

(۲) اصل غافل‌گیری: به نقل از نشریه حصون گروه الهیات مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، غافل‌گیری دارای انواع مختلف شامل؛ غافل‌گیری در زمان، غافل‌گیری در مکان، غافل‌گیری در طرح‌ریزی و تاکتیک، غافل‌گیری در فناوری. “ (گروه الهیات، حصون، ۱۳۸۳: ۲۳)

**همچنین در کنار موارد فوق سه اصل دیگر مورد پذیرش می‌باشد که عبارت‌اند از:**

(۱) اصل بسیج منابع<sup>۱</sup> و تداوم پشتیبانی

(۲) اصل انعطاف‌پذیری<sup>۲</sup>

(۳) اصل حفظ کارایی<sup>۳</sup> رزمی

**«اربرت کاپلان»<sup>۴</sup> در رابطه با پشتیبانی در جنگ‌های آینده چنین می‌گوید:**

” در عرصه‌ی نظامی، غیر حرفه‌ای‌ها از تاکتیک صحبت می‌کنند و نیمه حرفه‌ای‌ها از استراتژی سخن می‌گویند و حرفه‌ای‌ها، لجستیک [آماد] را مدنظر قرار می‌دهند. در بلایای طبیعی که مأموریت اصلی نیروهای نظامی آینده است! این لجستیک است که حرف اول را می‌زند و بس.“ (کاپلان، ۱۳۸۶: ۱۴)

برخی معتقدند که بنا به ضرورت لازم است اصول دیگری به‌عنوان (اصول متمم) نیز به اصول فوق اضافه شود. «اشنایدر» در مقاله «اصول جنگ برای میدان‌های آینده» می‌گوید:

” برخی از اصول متمم دیگری نیز وجود دارند که فولر آن‌ها را مورد توجه قرار نداده است، اما شایسته است در عصری که ویژگی آن، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی است، مدنظر قرار بگیرند. برتری‌هایی که در نتیجه هم‌زمانی و عمق حمله حاصل می‌شوند، مانند لجستیک مؤثر، تحرک نیروها، برتری اطلاعاتی و دقت در هدف‌گیری از جمله این اصول به شمار می‌آیند. “ (اشنایدر، ۱۳۸۲: ۱۱)

او همچنین اصول متمم ذیل را برای جنگ با طرفی که دارای سلاح‌های کشتار جمعی است پیشنهاد می‌نماید: “تجربه نظامی و نوآوری‌های فنی موجب شد تا برخی از اصول جنگی متمم به فهرست اصول ارائه‌شده فولر در جنگ جهانی اول افزوده شود. این اصول عملی جدید هنگامی که

۱ . Mobilization

۲ . Flexibility

۳ . Efficiency

۴ . Kaplan Robert.D



با اصول جنگی همراه شود، می‌تواند اثر قاطعی را در مقابل طرفی که سلاح کشتار جمعی داشته باشد. مخفف این اصول را می‌توان در واژه‌ی (اسلیپ<sup>۱</sup>) خلاصه کرد که شامل: (S: هم‌زمانی و عمق حمله L: آماد و تدارکات A: برتری اطلاعاتی P: هدف‌گیری دقیق). «(همان: ۲۴)

در سایر منابع نیز اصول جنگ دیگری نیز به‌دست آمده که مشتمل بر موارد ذیل است.

**(۱) اصل ابتکار عمل:** عبارت است از ایجاد و یا تغییر حالتی از جنگ، عملیات و رزم به وضعیت دیگر که با اجرای آن روحیه آفندی و تهاجمی نیروها برای ایجاد ابتکار، خلاقیت و تلاش مستمر که در عملیات نمایان می‌شود.

**(۲) اصل روحیه:** عبارت است از مجموعه عوامل روانی است که در افراد تجلی نموده و موجب علاقه‌مندی آنان به اجرای وظایف محوله می‌شود. روحیه افراد تحت تأثیر عوامل گوناگون متغیر و ناپایدار بوده و نوسانات آن در اجرای مأموریت سهم بسزایی دارد.

### روش‌شناسی

هدف اصلی پژوهش؛ تبیین تأثیر ویژگی‌های جنگ ناهمگون بر اصول شناخته‌شده جنگ بوده و سؤال اصلی پژوهش این است که؛ ویژگی‌های جنگ ناهمگون بر اصول شناخته‌شده جنگ دارای چه تأثیراتی است؟ به‌عبارتی دیگر، آیا اتخاذ دکترین ناهمگونی (آیین عدم تقارن) و یا راهبرد جنگ ناهمگون توسط یک نیروی مسلح آن‌قدر تأثیرگذار خواهد بود تا باعث دگرگونی در اصول جنگ و یا خلق اصول جنگ جدیدی شود. متغیرهای پژوهش عبارت‌اند از: متغیر مستقل: یا عامل اثرگذار در این تحقیق «ویژگی‌های جنگ ناهمگون» است و تأثیر آن‌ها بر تک‌تک اصول جنگ بررسی خواهد شد. متغیر وابسته: یا عامل اثرپذیر در این تحقیق، اصول شناخته‌شده جنگ است. که میزان تأثیرات متغیر مستقل بر آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

این پژوهش کیفی با روش توصیفی و تحلیلی بوده و پردازش داده‌های آن توسط شیوه آمار استنباطی صورت گرفته است. جامعه‌ی آماری از خبرگان، اساتید و کارشناسان مسلط به مباحث به‌صورت هدفمند انتخاب و پس از محاسبات لازم، تعداد ۲۵ نفر به‌عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شدند. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و پیمایشی بوده و برای سنجش و نظرخواهی از پرسش‌نامه استفاده شده است.



<sup>۱</sup> . SLIP

### تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

در ابتدا لازم است یادآوری شود. همواره در زمینه‌ی نحوه رعایت اصول جنگ در گذشته، حال و آینده دو رویکرد وجود داشته است. رویکرد نخست، منتسب به «کلاوزویتس» آلمانی است که اصول جنگ را ثابت و بدون تغییر دانسته و ابزار و روش‌های جدید آن‌ها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند. رویکرد دوم، متعلق به نظامیان جدید است؛ که اصول جنگ را ناشی از اندیشه‌ی نظامی و پویا می‌داند. همچنین اصول جنگ به مقتضای راهبرد و رهنامه نظامی هر کشوری قابل تغییر و تفسیر است؛ زیرا ماهیت اصول جنگ در همه‌ی کشورها از لحاظ کمی و کیفی متفاوت است.

این پژوهش بدون سوگیری به هیچ‌یک از رویکردهای فوق، هر یک از ویژگی‌های جنگ ناهمگون را با اصول شناخته‌شده جنگ به‌طور جداگانه تطبیق داده و نوع تأثیر آن‌ها را بر یکدیگر بررسی نموده است. به همین منظور، پرسشنامه میزان اثرات ویژگی‌های جنگ ناهمگون بر اصول جنگ شناخته‌شده توزیع شد. از مخاطبان خواسته شد تا به این سؤال پاسخ دهند که میزان تأثیر هر یک از ویژگی‌های ناهمگون بر اصول جنگ چیست؟ طیف پاسخ‌ها در یک مقیاس پنج‌گانه بوده و دو نمونه پرسشنامه طراحی و توزیع شد. نمونه نخست، تأثیر ویژگی‌های اکتشافی جنگ ناهمگون که از همین پژوهش به‌دست‌آمده بود. به تعداد ۱۲۰ سؤال و نمونه دوم، تأثیر ویژگی‌های ابلاغی جنگ ناهمگون در اسناد بالادستی بر اصول جنگ را با تعداد ۱۵۴ سؤال موردبررسی قرار می‌داد.

حاصل محاسبات هر یک از دو نمونه پرسشنامه نیز به‌صورت فشرده و خلاصه در دو جدول مقایسه‌ای (ماتریس) قرار داده شد. با توجه به امتیاز ۴ برای بالاترین گزینه (بسیار زیاد) در مقیاس‌های ارائه‌شده و تعداد جامعه نمونه آماری (۲۵ نفر) بیش‌ترین امتیاز برای تأثیر هر یک از ویژگی‌ها بر اصول جنگ عدد ۱۰۰ بوده که نشانگر بیش‌ترین اثر هر یک از متغیرها بر یکدیگر است. مجموع امتیازهای که نشان‌گر میزان تأثیر ویژگی‌های (اکتشافی) جنگ‌های ناهمگون بر اصول شناخته‌شده جنگ است در جدول شماره ۲ آورده شده است.



جدول ۲: مجموع امتیاز تأثیر ویژگی‌های (اکتشافی) جنگ‌های ناهمگون بر اصول جنگ

اصول جنگ و ویژگی‌های جنگ ناهمگون	اصل هدف	اصل آفند	اصل تمرکز قوا	صرفه‌جویی در قوا	اصل مانور	اصل وحدت	اصل تأمین	اصل غافل‌گیری	اصل انعطاف‌پذیری	بسیج منابع و	حفظ کارایی رزمی	اصل سادگی	مجموع
عدم قطعیت	۳۶	۳۰	۴۲	۵۱	۵۰	۳۷	۳۲	۸۴	۶۹	۴۵	۴۶	۵۷	۵۷۹
عدم انتظار	۲۹	۳۴	۳۳	۴۹	۵۲	۴۴	۲۲	۸۶	۵۹	۴۱	۶۴	۴۹	۵۶۷
ایجاد ابهام و پیچیدگی	۲۷	۴۳	۵۷	۴۲	۵۵	۲۸	۶۱	۸۱	۵۲	۴۰	۳۰	۷۶	۵۸۲
قابلیت انعطاف	۳۲	۳۷	۴۹	۶۳	۶۰	۲۹	۵۱	۷۹	۷۵	۶۱	۳۸	۴۹	۶۲۳
کم‌هزینه بودن	۲۳	۳۲	۴۱	۶۸	۳۰	۳۲	۴۹	۵۷	۵۷	۷۳	۴۲	۷۹	۵۸۳
پراکندگی و تمرکززدایی	۵۳	۴۵	۳۰	۶۸	۶۱	۳۶	۷۲	۵۲	۴۹	۴۲	۶۹	۵۲	۶۲۹
سیالیت	۴۶	۶۶	۳۲	۳۳	۶۵	۴۵	۵۶	۴۷	۷۸	۶۷	۲۹	۴۴	۶۰۸
اختفاء، استتار و فریب	۶۵	۴۷	۵۲	۵۳	۳۴	۳۷	۶۷	۷۸	۴۶	۳۹	۳۰	۳۷	۵۸۵
ابتکار عمل	۵۵	۶۸	۵۹	۴۷	۳۷	۲۲	۵۴	۹۰	۷۹	۴۹	۴۷	۶۲	۶۶۹
اثربخشی راهبردی	۶۱	۶۴	۶۶	۴۱	۴۱	۶۱	۵۵	۴۵	۵۳	۵۲	۴۵	۴۷	۶۲۱
جمع	۴۲	۴۶	۴۶	۵۰	۴۸	۳۶	۵۱	۶۹	۶۱	۵۰	۴۳	۵۵	
	۷	۶	۱	۵	۵	۱	۹	۹	۷	۸	۰	۲	

مجموع امتیازهای هر سطر بیانگر میزان عددی تأثیر هر ویژگی جنگ ناهمگون بر اصول جنگ شناخته شده بوده و مجموع امتیازهای هر ستون نشان‌دهنده میزان تأثیرپذیری هر یک از اصول جنگ از ویژگی‌های جنگ ناهمگون است. اثرگذارترین ویژگی جنگ‌های ناهمگون بر اصول جنگ به صورت جدول ذیل خواهد بود.



جدول ۳: فهرست ویژگی‌های اثرگذار بر اساس امتیاز مکتسبه

اولویت	ویژگی جنگ ناهمگون (اکتشافی)	امتیاز
۱	ابتکار عمل	۶۶۹
۲	پراکندگی و تمرکززدایی	۶۲۹
۳	قابلیت انعطاف	۶۲۳
۴	اثربخشی راهبردی	۶۲۱
۵	سیالیت	۶۰۸
۶	اختفاء، استتار و فریب	۵۸۵
۷	کم‌هزینه بودن	۵۸۳
۸	ایجاد ابهام و پیچیدگی	۵۸۲
۹	عدم قطعیت	۵۷۹
۱۰	عدم انتظار	۵۶۷

جدول شماره ۴ نشان‌گر مجموع امتیازها و میزان تأثیر ویژگی‌های موجود در اسناد بالادستی (ابلاغ‌شده) جنگ‌های ناهمگون بر اصول شناخته‌شده جنگ است. (در این جدول تنها مواردی که دارای امتیاز بیش از ۶۰ بوده‌اند نشان داده شده است)

جدول ۴: مجموع امتیاز تأثیر ویژگی‌های (ابلاغی) جنگ ناهمگون بر اصول جنگ

مجموع امتیازها	اصول ساده	اصول حفظ کارایی رزمی	اصول بسیج منابع و پشتیبانی	اصول انعطاف‌پذیری	اصول غافل‌گیری	اصول تأمین	اصول وحدت فرماندهی	اصول مانور	اصول صرفه‌جویی در قوا	اصول تمرکز قوا	اصول آفند	اصول هدف	اصول جنگ	ویژگی جنگ ناهمگون
													اصول جنگ	ویژگی جنگ ناهمگون
۶۵۸				۸۳				۷۶		۷۳			سیالیت تحرک و واکنش سریع	
۶۰۱					۷۹			۶۸	۶۳		۷۲		حرفه‌ای و استشهادی سازی نیروها	
۶۱۷			۷۷	۸۱					۶۵				خوداتکایی و استقلال رزمی	



مجموع امتیازها	اصل سادگی	اصل حفظ کارایی رزمی	اصل بسیج منابع و پشتیبانی	اصل انعطاف پذیری	اصل غافل گیری	اصل تأمین	اصل وحدت فرماندهی	اصل مانور	اصل صرفه جویی در قوا	اصل تمرکز قوا	اصل آفند	اصل هدف	اصول جنگ
													ویژگی جنگ ناهمگون
۵۶۵		۸۳	۸۸						۷۸				پایان ناپذیری بنیه رزمی و نبرد مستمر
۶۱۹	۸۶								۷۸				انبوهی و ارزانی و بومی سازی
۶۳۹	۸۲			۷۸	۷۶						۷۰		چند منظوره بودن
۵۷۲		۷۸				۶۹			۶۹	۶۰			حفظ توان خودی و مهار برتری آتش هوایی
۵۹۱					۷۱		۶۳					۶۴	اشراف اطلاعاتی خارجی و داخلی
۶۴۱			۶۵	۶۹		۷۲							دفاع همه جانبه
۵۸۰					۸۱			۷۶				۶۳	قابلیت حمله به راهبرد دشمن
۵۹۰											۶۸	۶۷	توازن وحشت و عملیات روانی
۵۴۸							۶۱						نظم و انضباط انقلابی

بر اساس بالاترین امتیاز اکتسابی اثرگذارترین ویژگی های ابلاغی به صورت ذیل است.

جدول ۵: فهرست ویژگی های اثرگذار ابلاغی بر اساس امتیاز مکتسبه

اولویت	ویژگی جنگ ناهمگون (ابلاغی)	امتیاز
۱	سیالیت تحرک و واکنش سریع	۶۵۸
۲	دفاع همه جانبه	۶۴۱
۳	چند منظوره بودن	۶۳۹
۴	انبوهی و ارزانی و بومی سازی	۶۱۹
۵	خوداتکایی و استقلال رزمی	۶۱۷
۶	حرفه ای و استشهادی سازی نیروها	۶۰۱
۷	اشراف اطلاعاتی خارجی و داخلی	۵۹۱
۸	توازن وحشت و عملیات روانی	۵۹۰
۹	قابلیت حمله به راهبرد دشمن	۵۸۰
۱۰	حفظ توان خودی و مهار برتری آتش هوایی	۵۷۲
۱۱	پایان ناپذیری بنیه رزمی و نبرد مستمر	۵۶۵
۱۲	نظم و انضباط انقلابی	۵۴۸

از ترکیب فهرست جداول شماره ۴ و شماره ۵ فهرستی کامل از تأثیرگذارترین ویژگی ها به دست آمد که در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.



جدول ۶: فهرست کامل تأثیرگذارترین ویژگی‌ها بر اساس امتیاز مکتسبه

امتیاز	ویژگی‌های تأثیرگذار جنگ ناهمگون	اولویت
۶۶۹	ابتکار عمل	۱
۶۵۸	واکنش سریع	۲
۶۴۱	دفاع همه‌جانبه	۳
۶۳۹	چندمنظوره بودن	۴
۶۲۹	پراکندگی و تمرکززدایی	۵
۶۲۳	قابلیت انعطاف	۶
۶۲۱	اثربخشی راهبردی	۷
۶۱۹	بومی‌سازی	۸
۶۱۷	خوداتکایی و استقلال رزمی	۹
۶۰۸	سیالیت	۱۰
۶۰۱	حرفه‌ای و استشهادی سازی نیروها	۱۱
۵۹۱	اشراف اطلاعاتی خارجی و داخلی	۱۲
۵۹۰	توازن وحشت و عملیات روانی	۱۳
۵۸۵	اختفاء، استتار و فریب	۱۴
۵۸۳	کم‌هزینه بودن	۱۵
۵۸۲	ایجاد ابهام و پیچیدگی	۱۶
۵۸۰	قابلیت حمله به راهبرد دشمن	۱۷
۵۷۹	عدم قطعیت	۱۸
۵۷۲	حفظ توان خودی و مهار برتری آتش هوایی	۱۹
۵۶۷	عدم انتظار	۲۰
۵۶۵	پایان‌ناپذیری بنیه رزمی و نبرد مستمر	۲۱
۵۴۸	نظم و انضباط انقلابی	۲۲

در این فهرست، موارد دارای بیش از ۶۰۰ امتیاز (بیش از ۶۰٪) بسیار تأثیرگذار (فزاینده) و موارد بین ۵۸۰ تا ۶۰۰ امتیاز ویژگی‌های تأثیرگذار متوسط و بقیه موارد جزء ویژگی‌های کم تأثیر جنگ ناهمگون بر اصول جنگ محسوب شده‌اند.



## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

### الف- نتیجه‌گیری:

با اتمام بررسی و پردازش اطلاعات و داده‌ها به هر یک از پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شد. در پاسخ به پرسش اصلی؛ تأثیر ویژگی‌های جنگ ناهمگون بر اصول شناخته‌شده جنگ چیست؟ یافته‌های حاصل با استناد به پرسشنامه‌ها و مقایسه ماتریس‌ها این بود که برخی ویژگی‌های جنگ ناهمگون دارای اثرات بسیار زیاد و فزاینده‌ای بر اصول جنگ و برخی دیگر دارای اثرات متوسط، همچنین برخی دیگر از اصول جنگ تأثیری کم از ناحیه ویژگی‌های جنگ ناهمگون دریافت نموده‌اند؛ که به شرح ذیل است.

- ویژگی‌های تأثیرگذار (فزاینده): ویژگی‌های جنگ ناهمگون در ردیف‌های ۱ تا ۷ جدول شماره ۶ بیش‌ترین تأثیر را بر اصول جنگ داشته و نقش آن‌ها را در جنگ ناهمگون تأیید می‌کند.

- ویژگی‌های تأثیرگذار (متوسط): ویژگی‌های جنگ ناهمگون در ردیف‌های ۸ تا ۱۷ جدول شماره ۶ دارای تأثیری متوسط بر اصول جنگ می‌باشند.

- ویژگی‌های تأثیرگذار (کم): ویژگی‌های جنگ ناهمگون در ردیف‌های ۱۸ تا ۲۲ جدول شماره ۶ دارای تأثیری کم بر اصول جنگ می‌باشند.

با توجه به یافته‌ها، نتایج ذیل دارای اهمیت خواهد بود.

(۱) جنگ ناهمگون و انواع جدید جنگ‌ها می‌تواند موجب تغییر در نگرش به اصول جنگ شوند و اصول جنگ‌های ناهمگون با اصول جنگ منافاتی ندارند.

(۲) جنگ ناهمگون بر برخی اصول جنگ، نظیر اصل غافل‌گیری تأکید بیشتری دارد.

(۳) جنگ ناهمگون بر برخی اصول جنگ نظیر اصل تمرکز در قوا تأکید کمتری دارد.

با مقایسه نتایج حاصله از دو ماتریس ارائه‌شده نتیجه می‌شود در جنگ ناهمگون به اصل تمرکز قوا کمتر پرداخته می‌شود؛ و جنگ ناهمگون جنگی غیر تمرکزی است. از سوی دیگر جنگ ناهمگون به دنبال کسب اثربخشی راهبردی در ضربه به نقاط ثقل و اراده دشمن است و اصول، غافل‌گیری، انعطاف‌پذیری و صرفه‌جویی در قوا پرارزش‌ترین اصول آن به شمار می‌روند. شاید لازم باشد برخی «اصول متمم» به اصول قبلی جنگ نظیر؛ (روحیه، اثربخشی، هم‌افزایی، هم‌زمانی حملات، انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری و همچنین حمله به عمق و ...) افزوده شود.





از نتایج پژوهش مشخص شد که «اصول جنگ» دارای سطحی بالاتر از «اصول نبرد و رزم» بوده و با «اصول دفاع» تفاوت‌هایی دارد. لیکن در میان کارشناسان اغلب این مقوله‌ها یکسان پنداشته می‌شود. «اصول نبرد و رزم» با «ارکان دفاع» و «ارکان نیروهای نظامی» در ارتباط تنگاتنگی است؛ و ضرورت دارد «ارکان نظامی» شناخته‌شده (کارکنان، اطلاعات، عملیات، آماد) از «ارکان دفاع» تفکیک و مورد بازاندیشی قرار گیرد.

### ب- پیشنهاد:

هرچند ارائه پیشنهاد ارکان نظامی و دفاعی در حیطه این پژوهش نبوده لیکن مواردی مانند: «ارکان دفاع» شامل: (۱) رکن ارزش‌ها و مفاهیم (۲) رکن رهبری، فرماندهی و مدیریت (۳) رکن مردم و نیروی انسانی (۴) رکن ساختار و سازمان‌دهی (۵) رکن دانش و آموزش (۶) رکن اطلاعات و ارتباطات (سامانه‌ها و شبکه‌های دفاعی) (۷) رکن عملیات (۸) رکن آماد و پشتیبانی دفاع؛ پیشنهاد می‌شود. در همین راستا «ارکان دفاع نظامی» شامل: (۱) رکن رهیافت‌های نظامی (شامل سیاست و راهبردها) (۲) رکن ساختاری و سازمان (۳) رکن فرماندهی و مدیریت (۴) رکن پشتیبانی ابزاری و ادوات؛ (تأسیسات، تسلیحات، تجهیزات و مهمات) (۵) رکن ارتباطی (سامانه‌ها و شبکه‌ها) پیشنهاد می‌شود. همچنین مواردی نظیر؛ (فرهنگ و ایدئولوژی، رهبری، مردم، ایمان و انگیزه، دانش و فناوری، اطلاعات، سیاست و راهبردها، سرزمین و جغرافیا، تاریخ، توان دفاع و بازدارندگی، توان اقتصادی و پشتیبانی، توان آموزش و تربیت، سامانه و شبکه‌ها و ارتباطات...) برای جنگ و نبرد معرفی می‌شوند.

ضروری است اصول و رهنامه‌های نظامی و دفاعی را با توجه به تحولات چشمگیر معاصر بازنگری و بازنویسی نمود. هرگونه اصرار و پافشاری بر تبعیت مطلق از برخی اصول، رفتارها، ابزار و شیوه‌های دفاعی بدون تحول در اندیشه‌ی دفاعی موجب خسارات جبران‌ناپذیر خواهد بود؛ لیکن به‌کارگیری تجارب گذشته به همراه تلفیق آن با آموزه‌های جدید در شمال غرب، جنوب شرق و همچنین مقاومت اسلامی در منطقه موجب خلق راهکارهای نجات‌بخش و بدیع، مشابه راهکارهای رهایی‌بخش در هشت سال دفاع مقدس و پیروزمند ملت سرافراز ایران خواهد شد. امید است به فضل و عنایت خداوند متعال این فریضه به‌گونه‌ای شایسته تحقق یابد... / أَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
تَصْبِيرُ الْأُمُورُ \* (شورا ۵۳)



**فهرست منابع:****الف - منابع فارسی**

- قرآن کریم، سوره البقره آیه ۲۴۹ و سوره انفال آیات ۶۰ و ۶۵ و ۶۶
- امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، نهج البلاغه - خطبه ۲۷
- امام خمینی (ره) - مجموعه‌ی صحیفه نور
- امام خامنه‌ای (مد ظله العالی) «فرمایشات در شرفیابی فرماندهان عالی ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ارتش» در مورخ ۲۹ فروردین ماه ۱۳۸۵
- شنایدر باری آر (۱۳۸۲) «اصول جنگ برای میدان‌های آینده» ترجمه صالح رضایی، مجله نگاه - شماره ۳۶ - تیرماه
- آفاق (۱۳۷۹) نشریه مرکز مطالعات علوم دفاعی مخابرات و الکترونیک شماره ۱۴۸۱۴۱
- افتاده، حسن (۱۳۸۱) «مدیریت ریسک، دستور رزمی ۱۴-۱۰۰» مرکز اطلاع‌رسانی سازمان تحقیقات و خودکفایی نیروی زمینی سپاه
- پاتاجو، نونل (۱۳۸۴) «راهنمای تدوین دکترین» ترجمه داوود علمایی، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه دوره عالی جنگ
- دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه (۱۳۷۶) «تئوری عملیات و رزم» معاونت تحقیق و پژوهش
- دانیالی، سیاوش (۱۳۸۳) «نبرد ناهمگون بازشناسی و کاربرد آن» دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه معاونت تحقیق و پژوهش
- دورانت، ویل (۱۳۵۵) «درس‌های تاریخ» ترجمه احمد بطحایی - ناشر آزاد
- سلامی، حسین (۱۳۹۰) «ماهیت استراتژی نظامی» چاپ فرماندهی کل سپاه
- سلامی، حسین (۱۳۸۲) «جنگ نامتقارن» همایش دانشکده علوم پایه دانشگاه امام حسین (علیه السلام) فصلنامه دفاع نامتعارف شماره ۲۰ - مهرماه
- فرنچ، وندال و سسیل اچ بل، (۱۳۹۱) «مدیریت تحول در سازمان» برگردان دکتر سید مهدی الوانی و دکتر حسن دانایی‌فرد - انتشارات صفار
- کاپلان، رابرت (۱۳۸۶) «آیا اصول جنگ تغییر یافته است؟» مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی
- کالینز، جان ام (۱۳۷۳) «استراتژی بزرگ» ترجمه بایندر، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه



- گروه الهیات مرکز تحقیقات اسلامی سپاه (۱۳۸۳) «اصول جنگ (۱)» نشریه حصون پیش‌شماره ۱
- گومپرت، دیوید سی و آروینگ لاکو، جاستین پرکینز، (۱۳۸۸) «جنگ هوشمند» ترجمه کریم صارمی، مسعود منزوی مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی
- متز، استیون و داگلاس جانسون (۱۳۸۱) «عدم تقارن و استراتژی نظامی ایالات متحده» (تعریف زمینه و مفاهیم راهبردی - مترجم عبدالحسین حجت زاده - مجله نگاه شماره ۳۱ - بهمن‌ماه)
- مکنزی، کنت (۱۳۸۲) «جنگ ناهمگون» برگردان عبدالمجید حیدری و محمد تمنایی، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

#### ب- منابع انگلیسی

- Barry R Schnider principles of war for the battlefield of the future  
DOD Air force university 1998



